

نگاهی به پاره‌یی از الگوهای رفتاری و فرهنگی ایرانیان (۲)^۱ (تعارف و نظام ادب در فرهنگ ایرانی)

سوفیا کوتلاکی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۵/۰۲/۱۲

چکیده

این مقاله به تعارف و نظام ادب در رفتار و تعاملات ایرانیان اشاره کرده است. نویسنده معتقد است، رعایت ادب کلامی، فردی و اجتماعی، تعارف و گفتگوهای روزمره، شامل احوالپرسی، دعوت، درخواست و غیره از نظام مشخصی تبعیت میکنند. وی با انجام پژوهش میدانی و ضبط داده‌ها و تحلیل و مقایسه آنها نتیجه گرفته است که این مناسبات همگی در زیرمجموعه اصل فراگیر آداب و تعارف از سه ریشه احترام، تواضع و صمیمیت ایرانی ناشی میشود.

کلیدواژگان

رفتار ایرانیان؛ نظام ادب؛ تعارف؛ احترام؛ تواضع؛ صمیمیت؛ رفتارپژوهی فرهنگی درونی؛ رفتارپژوهی فرهنگ بیرونی؛

۱. مقاله حاضر، بخش دوم مقاله نگاهی به پاره‌یی از الگوهای رفتاری و فرهنگی ایرانیان است که در شماره دوم فصلنامه مطالعات ایران‌شناسی (سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۱-۱۳۸)، چاپ شده است. در مقاله مذکور پس از آنکه مقایسه کوتاهی بین الگوها و قوانین فرهنگ رفتاری ایرانیان با برخی کشورها انجام شد، به موضوعاتی نظیر جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی در بین ایرانیان، چرخه خانواده و عملکرد آن، نظام خویشاوندانی، فرهنگ خانواده و اهمیت آن، نظام سلسله‌مراتبی و وجهه و جایگاه اجتماعی افراد در فرهنگ ایرانی پرداخته شد. در مقاله حاضر هم تلاش شده است که به پاره‌یی دیگر از الگوهای فرهنگی ایرانیان، اشاره شود. این مقاله مبتنی بر داده‌هایی است که در اوایل دهه هفتاد شمسی برای رساله دکترای نگارنده (۱۳۷۶/م. ۱۹۹۷)، با رویکرد قوم‌نگاری جمع‌آوری شده است. بطور مسلم با گذشت زمان، تغییراتی در کاربرد تعارف و ادب در جامعه ایرانی رخ داده است (عبدالکریمی و سلیمیان، ۱۳۹۶). با این حال، نگارنده معتقد است که برغم تغییرات اجتماعی رخ داده، الگو و سه اصل ادب که در این مقاله بدانها اشاره شد، همچنان به قوت خود باقیست.

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث.

تعارف، برداشتهایی از ادب در جامعه ایران

در این قسمت به تعارف که یک مقوله فرهنگی ایرانی و ذاتاً مرتبط با ادب است، تمرکز شده و دربردارنده شرحی بر درک ایرانیان از آن است. توصیف ادب در جامعه ایرانی که در ادامه بدان اشاره میشود از کندوکاو در مورد برداشت ایرانیان از این مفهوم ریشه میگیرد. این حقیقت که ممکن است، فرهنگهای مختلف درک متفاوتی از ادب داشته باشند، اغلب در یافته‌های علمی ذکر شده است. ایده^۱ و همکاران (۱۹۹۲: ۲۸۱-۲۹۳) معتقدند که لازم است ادب در محیطهای فرهنگی مختلف تعریف شود. سیفیانو^۲ (۱۹۹۲: ۲۱۵) به این نتیجه رسیده است که ادب در یونان حوزه بسیار وسیعتری نسبت به انگلستان دارد. نگرشهای مطرح شده توسط گویشوران در یکسری مصاحبه‌های غیررسمی همراه با داده‌های بدست آمده از گفتگوهای طبیعی، برای ارائه شرحی که در ادامه می‌آید، بکار برده شده‌اند. تصویری کامل از مفاهیم تعارف و ادب در جامعه ایرانی برحسب رفتارپژوهی «فرهنگی درونی»^۳ که پاییک^۴ (۱۹۶۷: ۳۷) آن را «مطالعه رفتار با در نظر گرفتن محیط و مطالعه کارکرد در یک نظام مفهومی فرهنگی» و درست در نقطه مقابل رفتارپژوهی «فرهنگی برونی»^۵؛ یعنی «مطالعه رفتار با در نظر گرفتن محیط از دید یک ناظر بیرونی» نامیده است، برای خواننده ارائه شده است.

تعارف

از نظر ریشه‌شناسی، تعارف یک کلمه عربی از ریشه عرف (شناختن) و بمعنای «شناخت دوطرفه» است. بنابراین تعارف، ابزاری برای مذاکره در مورد روابط دو طرف گفتگو بشمار می‌آید. آریانپور (۱۹۷۶)^۶ تعارف را بصورت «تعارف، تشریفات، پیشنهاد، هدیه، تملق، نزاکت، چاپلوسی، کاربرد زبان رسمی، خوش‌برخوردی، زبان نرم، عبارات ملایم و دلنشین، احترام» و تعارف کردن را «بکاربردن تعارفات، رسمی برخورد کردن، با نزاکت سخن گفتن و استفاده از عبارات ملایم و دلنشین» تعریف میکند. در این فرهنگ لغت، مثالهایی برای مدخل تعارف آورده شده است،

1. Ide
2. Sifianou
3. Emic Approach
4. Pike
5. Etic Approach
6. Aryanpour & Aryanpour (1976)

مانند: تعارف را کنار بگذاریم و صادقانه حرف بزنیم؛ خیلی به او تعارف کردم؛ بجای اظهار ادب، تعارف (چرب زبانی) کردن؛ تعارف دیپلماتیک؛ او آدم با تعارفی است و... این مثالها معانی مثبت این واژه (بعنوان مثال، تعارف، حسن نیت، نزاکت و خوش‌برخوردی) و همینطور معانی منفی آن (بعنوان مثال تملق، چاپلوسی و تشریفات در مفهوم آداب و رسوم بی‌محتوا) را نشان میدهد. از این مدخل فرهنگ لغت میتوان به سادگی فهمید که تعارف مفاهیم بسیار پیچیده‌یی دارد. همچنین این کلمه معانی مختلفی در ذهن گویشوران بومی دارد و طبیعی است، افرادی که سعی میکنند آن را توصیف کنند، دچار گیجی و سردرگمی میشوند.

پژوهشگرانی که تعارف را مورد بررسی قرار داده‌اند، بدلیل فقدان یک معادل واژگانی مستقیم در انگلیسی، آن را بعنوان «ادب تشریفاتی یا آیینی»^۱ (Beeman, 1986 : 56)، «ادب کلامی»^۲ (Bateson & et al, 1977:270) و «کشمکش کلامی مؤدبانه»^۳ (Rafie, 1992: 9) تعبیر کرده‌اند. تعارف یکی از این روشهای عادی ارتباطی است. از گفتگوهایی که با گویشوران بومی ایرانی داشته‌ام، معلوم میشود که بحث در مورد ادب فارسی، هرگز بدون اشاره به «تعارف» که مفهومی محوری در ارتباطات ایرانی است و گویشوران بومی آن را جزء جدایی‌ناپذیر روابط میدانند، کامل نیست.

دیدگاه‌های عامیانه در مورد تعارف

از میان دیدگاه‌های گوناگون بیان‌شده گویشوران بومی در مورد تعارف، سه مضمون مرتبط به هم بدست می‌آید. اول، اگرچه هنوز تعارف در گفتگوهای روزانه بکار برده میشود؛ اما تعارف یک گونه رفتاری است که از گذشته به ما رسیده و با تعالیم مذهبی، فروتنی، احترام به دیگران، میهمان‌نوازی و از خودگذشتگی در ارتباط است.

طبق نظر یکی از گویشوران بومی، تعارف اساساً مبتنی بر مذهب است؛ اما اکنون معنای آن تغییر کرده، معنای اصلی‌اش را از دست داده و تنزل معنایی پیدا کرده است. چند گویشور نیز اصل و منشأ تعارف را در تعلیمات مذهبی (فروتنی، میهمان‌نوازی، بخشش و از خودگذشتگی) یافته‌اند؛ اگرچه آنها معتقدند که چنین ارزشهایی قبل از اسلام نیز وجود داشته است.

1. Ritual Courtesy

2. Expressed Courtesy

3. Polite Verbal Wrestling

دوم، معمولاً تعارف از نقطه نظر نکات مثبت آن، نشان‌دهنده توجه و حسن نیت نسبت به مخاطب است و اغلب برای پایتتر جلوه‌دادن جایگاه خود فرد و بالا بردن منزلت طرف گفتگو بکار برده میشود. در بحث از جنبه مذهبی تعارف، گویشوران بر اهمیت بیان احترام و میهمان‌نوازی، کمک‌کردن، احترام به والدین و نشان‌دادن تواضع تأکید کرده‌اند. تواضع خصلتی است که در اسلام بسیار بدان توصیه و گفته شده است که اگر کسی در گفتارش تواضع و فروتنی داشته باشد، برای طرف گفتگو خوشایند است؛ حتی اگر واضح باشد که گوینده در حقیقت از جهاتی از او برتر است. «تشریف بیارین منزل ما، بد بگذرونین» نمونه‌ای از یک دعوت ایرانی است. در حقیقت، این اصطلاح خاص در بین اقوام نزدیک یا افرادی که با هم آشنایی کامل دارند، گفته میشود.

اغلب گفته میشود که طبق یک سنت قدیمی، ایرانیها اغلب خود را در وضعیتی پایتتر از طرف گفتگویشان قرار میدهند و برای آنها جایگاه اجتماعی بالاتر ساختگی قائل میشوند، بخصوص اگر طرف گفتگو بزرگتر از آنها باشد. بنابراین، همانطور که در مصاحبه‌ها آمده و اغلب در محیطهای عمومی شنیده میشود، بعضی افراد بطرف مقابل میگویند: «نوکر تم، چاکر تم»؛ اما در واقع این‌گونه نیست؛ حتی یکی از رایجترین عبارات تعارف؛ یعنی خواهش میکنم، عموماً بمعنای «من میخواهم یا لطفاً» بکار برده میشود؛ در حالی که در واقع بعنوان درخواستی از یک مقام پایتتر به مقام بالاتر بیان میشود و میتواند بمعنای «من درخواست میکنم این لطف را بکنید» باشد.

جنبه دیگر تعارف؛ یعنی میهمان‌نوازی نیز به زمانهای قدیم برمیگردد. گفته میشود که ایران همواره کشوری ثروتمند و موفق بوده است. در گذشته مردم وقت و مواد غذایی بیشتری در اختیار داشتند و این دو اصل برای پذیرایی از میهمان ضروری بودند. بنابراین پذیرایی از میهمان برای یک وعده غذایی در خانه کار آسانی بوده است. بنابراین جنبه میهمان‌نوازی تعارف به سنت تبدیل شده است. عبارت «میهمان حبیب خداست»، بیانگر نگرش ایرانیان در مورد میهمان و نشان‌دهنده چگونگی ارتباطات کلامی زبان فارسی بر مبنای بینشهای مذهبی است.

یک گویشور تعارف را بعنوان مجموعه سخنانی تعریف کرد که علاوه بر معانی لفظی، دارای «معانی عاطفی»^۱ نیز هست؛ برای مثال وقتی کسی میگوید: «بفرمایید»، ممکن است جدای از مقصود گوینده در ابراز احترام، ادب و محبت به مخاطب بمعنای «تقدیم به شما، در خدمتتون هستم، دستور دهید، ادامه دهید، اول شما وارد شوید و نوش جان» باشد.

کارکردهای تعارف

کارکردهای تواضع و احترام از دو اصل مجزای ادب گرفته شده‌اند و در عمل بیشتر احترام و تواضع با هم می‌آیند؛ یعنی گوینده‌یی ممکن است خود را کوچک کند و طرف گفتگو را هم‌زمان ارج نهد. طبق نظر یکی از گویسوران، تعارف، ارج‌نهادن به طرف مقابل است و ریشه در تمایل به ادای احترام دارد. ارج‌نهادن به طرف گفتگو همچنین نشان می‌دهد که ایرانیان چقدر میهمان‌دوست هستند. صمیمیت، حسن‌نیت و احساسات گرم از میان دیگر راهبردهای محاوره‌یی از طریق تعارف و پاسخهای تعارفی بیان میشوند. بنابراین وقتی گوینده‌یی با بکاربردن اصطلاح «قابلی نداره یا پیشکش شماست»، به تعارف در مورد مالکیت میپردازد، در واقع حسن‌نیت خود را نشان می‌دهد و اعتماد متقابل را ایجاد میکند؛ حتی اگر پیشنهاد وی بدلیل «محدودیت‌های عملی که وجود دارد» (Bateson & et al, 1977: 270)، پذیرفته نشود.

یک قرارداد اجتماعی بسیار قوی در جامعه ایران این است که هر پیشنهاد یا دعوتی باید حداقل یک‌بار رد شود و اغلب بیش از یک‌بار رد کردن منجر به اصرار بیشتر از جانب پیشنهاددهنده میشود (Rubin, 1983: 14). نمونه‌هایی از این رد پیشنهاد در داده‌های محاوره‌یی این پژوهش روی داده است: بعد از رد کردن، فرد پیشنهاددهنده ممکن است، بگوید: «تعارف نکن یا تعارف میکنی؟».

در این زمینه، گفته شده است که بعضی گویندگان آنقدر روی دعوتشان پافشاری میکنند که این تعارف آزار دهنده میشود؛ زیرا در این حالت میهمان ممکن است، بصورت واقعی به دعوت، پاسخ رد دهد. بر خلاف این موضوع، چنین اصراری نشانه‌یی از توجه به میهمان و نگرانی در خصوص نیازهای او تلقی میشود. عبارت «تعارف خشک و خالی کرد» انتقادی است که بر گوینده‌یی که خیلی اصرار نکرده و در نتیجه، احترام و صمیمیت مد نظر را از خود نشان نداده، وارد میشود.

همانطور که پیش از این گفته شد، «تعارف در تعاملات اجتماعی معمولی، صادقانه بیان میشود؛ زیرا بستگی به محدودیت‌های پاسخ‌دهنده دارد» (Bateson & et al, 1977: 270). این نوع تعارف نمونه‌یی از نمایش متقابل ادب مثبت از طرف گوینده و ادب منفی از طرف مخاطب است (Rafie, 1992: 96).

الگوهای کلیشه‌یی تعارف در موقعیتهایی، مثل آنچه که از نظر گذشت، ظاهری یا تشریفاتی (تعارف زبانی) هستند که هدف عاطفی بسیار مهم آن بر اساس ایجاد و حفظ همبستگی بین فردی

و آسایش تمام دو طرف گفتگو است. بعضی گویشوران بر این باورند که مردم احساس میکنند، اگر تعارف زبانی نکنند، طرف مقابل از اینکه آنها در بیان، حسن نیت و محبت نسبت به مخاطب کوتاهی کرده‌اند، نگرشی منفی نسبت به آنها پیدا خواهند کرد. این همان چیزی است که بیتسان^۱، آن را «خلوص نیت» نامیده است. گفته میشود که تعارف کردن با جدی گفتن فرق دارد و بعضی اوقات بمعنای گفتن چیزی بدون قصد واقعی آن است. بنابراین جمله «بی تعارف میگم» بمعنای «رک و پوست‌کنده گفتن» است.

وی تعارف را این‌گونه تعریف کرده است: «مجموعه‌یی پیچیده از رفتارهای کلامی که جایگاه بالاتری به مخاطب میدهد» (Beeman, 1986: 56-57). بنابراین او را برتر میسازد و رفتارهای مشخصه فرد برتر را به او تحمیل میکند که میتواند به نفع گوینده باشد. اگر برای مثال گوینده بخواهد که مخاطب کاری را به نفع تجاری او انجام دهد یا از جانب او سفارشی بدهد، میتواند او را در موقعیت برتر قرار دهد. در واقع مخاطب با این کار مجبور خواهد شد مطابق میل گوینده رفتار کند. با این حال، فقط یکی از گویشوران با این نظر که فرد تعارف‌کننده تنها برای رسیدن به سود خودش تعارف میکند، موافق است. بقیه گویشوران گفته‌اند که چنین کاری اصلاً تعارف نیست؛ بلکه چاپلوسی است. اگرچه تعریف تعارف که در آغاز سخن از فرهنگ لغت بیان شد، شامل چاپلوسی نیز بود؛ ولی اکثریت گویشوران شرکت‌کننده در این بررسی با این دیدگاه موافق نیستند. به عقیده گویشوران بومی، چاپلوسی بار معنایی منفی دارد، درحالی که تعارف که از احساسات مثبتی مانند مهربانی، دوستی و احترام ریشه میگیرد، مفهومی مثبت را در خود جای داده است. بنظر میرسد که تعارف، بعنوان نشانه‌یی از حسن نیت و احترام در ذهن یک ایرانی بالاترین کارکرد را دارد. با این حال، باید بخاطر داشت که یک گفته ممکن است بیش از یک کارکرد داشته باشد (Tracy & Couplan, 1990) و عبارات تعارفی نیز میتوانند هم‌زمان یا بصورت متوالی چند کارکرد داشته باشند (Penman, 1990). بنابراین در کنار کارکرد «حسن نیت نسبت به مخاطب»، تعارف میتواند دارای کارکرد «حرکت راهبردی بسوی هدف گوینده» باشد که این هدف ممکن است، رسیدن به سود مادی یا قبول یک درخواست باشد. علاوه برین، بعضی از گویشوران بیان کرده‌اند که تعارف جدای از ابراز احترام به طرف گفتگو، تربیت و ادب گوینده را میرساند؛ یعنی وجهه و جایگاه گوینده را بالا میبرد.

ادب

ادب، فرهنگ و جامعه

هر بررسی در مورد ادب به هر زبانی، بایستی به تعریف مفهوم ادب در آن فرهنگ پردازد (Watts, 1989:132). در اینجا بحث را با بررسی برداشت ایرانیان از ادب، آن‌گونه که گویشوران شرکت‌کننده در مصاحبه‌ها مطرح کرده‌اند، شروع میکنیم.

در پاسخ به سؤال در مورد رفتار مؤدبانه و بی‌ادبانه، بیشتر گویشوران صحبت در مورد ادب را ساده‌تر انگاشتند. آنها بر این اعتقاد بودند که ادب، مفهومی فراتر از بی‌ادب بودن و بی‌ادبی دارد. در فرهنگ ایرانی در مورد ادب بسیار صحبت میشود و فرآیند اجتماعی کردن بچه‌ها از همان سنین اولیه کودکی مورد توجه واقع میشود. ادب در فرهنگ فارسی مفهومی بسیار پیچیده دارد که هم ادب زبان‌شناختی و هم آداب معاشرت را در برمیگیرد و رابطه‌ی نزدیکی با دستورات دینی دارد.

مؤدب‌نشستن کنار میز، با همه با احترام احوالپرسی کردن، تنظیم وضعیت بدن هنگام نشستن و راه رفتن، صادقانه و با احترام صحبت کردن، با وقار و آرام غذا خوردن و بسیاری از کارها و رفتارهای دیگری که در ادب اسلامی سنتی ذکر شده‌اند، جوانان را برای پذیرش حقایق سنت و دین آماده میکنند.

این دیدگاه رابطه‌ی پیچیده بین آموزه‌های دینی و قراردادهای اجتماعی را بخوبی توصیف میکند. براحتی میتوان نتیجه گرفت که نادیده گرفتن ادب میتواند عواقب جدی برای جایگاه اجتماعی فرد و خانواده‌اش بدنبال بیاورد. در فرهنگ ایرانی، مانند فرهنگ ژاپنی، تعهد به دیگر اعضای خانواده و مشارکت در دغدغه‌های آنها نشانه‌یی از بلوغ و تربیت درست است نه بی‌کفایتی.

اکثر گویشوران این دیدگاه را بیان کردند که ادب رابطه‌یی قوی با حفظ ارزشهای جامعه دارد و رفتار مؤدبانه رفتاری است که مورد قبول جامعه باشد. بدین ترتیب، فردی که به شیوه‌ی مورد قبول جامعه رفتار میکند، مؤدب قلمداد میشود و رفتاری که جامعه آن را نپذیرد، بی‌ادبی محسوب میشود. جالب این است که اصطلاح «رفتار غیرقابل قبول»، ممکن است از معتاد بودن و چاقوکش بودن که به اساس جامعه صدمه میرساند تا آوردن قوری چای به اتاق نشیمن بجای ریختن آن در آشپزخانه و قراردادن آن روی سینی را در برگیرد. خیانت، بدزبانی، بیرون از خانه ماندن در شب و بی‌احترامی به والدین نمونه‌های دیگری از رفتارهای غیرمؤدبانه هستند که گویشوران به آنها اشاره کرده‌اند.

فرد مؤدب، لباس تمیز میپوشد، خوب رفتار میکند، در کارهای بدخواهانه مشارکت نمیکند، بخوبی از خانواده خود مراقبت میکند، هدفمند است، به دیگران احترام میگذارد، صادق است و با بیان و رفتار اعتماد دیگران را بخود جلب میکند. او همچنین میداند که چگونه روابط خوب خود را با دیگران حفظ کند؛ به حقوق دیگران تجاوز نمیکند و نمیگذارد کسی به حقوق او تجاوز کند. در امور دیگران دخالت نمیکند. یک فرد با ادب به شیوه‌ی منظم، موقر و مرتب رفتار میکند. آنچه گفته شد، بیانگر این است که ادب در فرهنگ ایرانی بر ارزشهای گروهی متمرکز است تا بر ارزشهای فردی. این امر با مفهوم ادب در دیگر جوامع غیر غربی سازگار است؛ بعنوان مثال در آثار هیل^۱ و همکاران^۱، ایده و همکاران^۲، ماتسوموتو^۲ (برای فرهنگ ژاپنی)، نویه^۳ (برای فرهنگ ایگبو نیجریه)، چن^۴، مائو^۵ (برای فرهنگ چینی)، این موضوع دیده میشود.

ادب و آداب اجتماعی

در مصاحبه‌های انجام شده با گویشوران در مورد ادب، به «مفاهیم آداب اجتماعی»^۶ یا «نزاکت»^۷ بسیار اشاره شده است. گویشوران بیان کرده‌اند که توجه به نیازهای دیگران از نمودهای رفتار مؤدبانه است؛ بعنوان مثال نشان دادن فرد دیگری روی صندلی اتوبوس بجای خود و هرگونه کمک به دیگران مؤدبانه تلقی میشود. همچنین احترام گذاشتن به دیگران از راه رفتارهای غیرکلامی نیز از مصادیق ادب بشمار می‌آید؛ بعنوان مثال وقتی کسی وارد اتاق میشود، افراد دیگری که در اتاق نشسته‌اند و جایگاه برابر یا پایینتری نسبت به او دارند، باید با ورود او به نشانه‌ی احترام بلند شوند. اگر کسی بلند نشود، این کار او بی ادب تلقی میشود و رفتارشان نشان‌دهنده‌ی این است که نسبت به فرد تازه‌وارد غرضی دارد، مگر اینکه آن شخص از جایگاه اجتماعی بالاتری برخوردار باشد. گویشوران همچنین شرح داده‌اند که هرچقدر محل نشستن فرد نسبت به درِ اتاق دورتر باشد، آن مکان بالاتر و هرچه به در نزدیکتر باشد، آن مکان پایینتر تلقی میشود. جایگاه‌های بالا معمولاً

1. Hill

2. Matsumoto

3. Nwoye

4. Chen

5. Mao

6. Social Manners

7. Courtesy

توسط میزبان به میهمانان مسن‌تر یا کسانی که از احترام بیشتری برخوردارند، پیشنهاد میشود. پشت به دیگران نشستن و درازکردن پا در برابر عموم نیز از دیگر رفتارهای بی‌ادبانه است. اگر در یک جلسه عمومی مانند مسجد، فردی مجبور باشد، پشت به دیگران بنشیند، لازم است که از فرد پشت‌سر عذرخواهی کند، بویژه اگر فردی که در ردیف پشت نشسته است، آشنا باشد. اگر کسی مجبور باشد به هر دلیلی حتی در حضور اقوام نزدیک، پایش را دراز کند باید عذرخواهی کند. هنگام صرف شام، رسم ادب بر این است که اول از افراد بزرگتر و سپس از بچه‌ها پذیرایی شود. در اینجا ادب حکم میکند که میهمان یا حاضران در میهمانی برای شروع و صرف غذا منتظر میزبان بمانند. حتی اگر در میهمانیها، کودکی میوه‌یی را قبل از اینکه به او تعارف شود، بردارد، این رفتار کودک، بی‌ادبی قلمداد میشود و ممکن است انعکاس بدی برای والدین داشته باشد.

ادب و فرد

نکته جالب اینکه تقریباً همه گویشوران در ظاهر ادب را از مصادیق شخصیت خوب میدانند؛ اگرچه اذعان دارند که ادب با قوانین اجتماعی در ارتباط است. بنابراین می‌فهمیم که جنبه‌های عمومی و شخصی ادب با یکدیگر در ارتباطند. کسی که بخوبی تربیت شده باشد از شخصیت بالایی برخوردار است؛ خوش‌رفتار و مؤدب است و به ارزشهای جامعه احترام میگذارد. تنها یک گویشور بر این عقیده بود که برای او نیت واقعی فرد مهم است، نه شیوه رفتار. بر طبق گفته او این امکان وجود دارد، فردی که مطابق شیوه‌های مورد قبول و خوشایند جامعه رفتار کرده و حرف میزند، دروغگو و متقلب باشد. بیشتر گویشوران بر این باورند که ادب عمدتاً به تربیت خانوادگی فرد بستگی دارد و همچنین حاکی از شخصیت فرد است.

ادب و بی‌ادبی در گفتار

از میان نظرات ارائه‌شده گویشوران، حجم عمده‌یی از آنها در مورد ادب کلامی بوده و این امر، بیانگر اهمیت گفتار مناسب در جامعه ایرانی است. چندین گویشور بر این باور بودند که پیش‌قدم بودن در سلام، حاکی از ادب و تواضع شخص سلام‌کننده است. یکی از این گویشوران حدیثی را از پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص) با این مضمون نقل میکند که هر سلام، هفتاد ثواب دارد؛

۶۹ ثواب برای کسی است که سلام میکند و یک ثواب برای کسی است که پاسخ سلام را میدهد.^۱ تعارف و برخورد گرم و صمیمانه از دیگر مصادیق ادب کلامی ذکر شده‌اند. برخی از گویشوران معتقد بودند که احترام گذاشتن به افراد در گفتار و رفتار از دیگر مؤلفه‌های ادب رفتاری است. احترام گذاشتن به صحبت افراد و قطع نکردن کلام آنها از جمله این موارد است. تواضع در کلام و انتخاب موضوع مناسب برای گفتگو از خصوصیات افراد مؤدب بشمار می‌آید. فرد مؤدب همیشه قبل از حرف زدن فکر میکند و حتی اگر مجبور باشد، حرفی ناخوشایند یا بی‌ادبانه بگوید در کوتاهترین حالت ممکن آن را بیان کرده و سنجیده سخن میگوید.

از مشخصه‌های بی‌ادبی در کلام میتوان به قسم خوردن، دروغ گفتن، استفاده از واژه‌های رکیک، بخصوص در حضور خانمها اشاره کرد. مردان در بسیاری از موارد از نزاع با همدیگر در حضور خانمها خودداری میکنند که مبادا باعث رنجش خاطر آنها شوند؛ اگرچه چنین نگرشی در جوامع غربی نیز ممکن است، پسندیده تلقی شود؛ اما در فرهنگ ایرانی نشانه‌یی از ادب و نزاکت است و وجههٔ فرد را بالا میبرد.

ادب و کاربرد آن در زبان رسمی

ادب با کاربرد زبان رسمی در ارتباط است و گاهی اوقات رسمی‌بودن از مشخصه‌های ادب تلقی میشود. گفته میشود که بکاربردن الگوهای دستوری و صحیح، مؤدبانه‌تر از صورتهای محاوره‌یی کلمات است. افراد به جملاتی که دارای ساختار مناسب و کلمات درست باشند، بهتر پاسخ میدهند. بنابراین افرادی که میتوانند بخوبی صحبت کنند و از لحاظ اجتماعی بصیر باشند، بیشتر مورد قبول جامعه هستند. طبق گفتهٔ یکی از گویشوران فردی که صادقانه سخن میگوید؛ حتی اگر گفتارش به اندازهٔ کافی پرداخته شده هم نباشد، مورد احترام خواهد بود. آداب و رسوم، واژه‌هایی کلیدی در ارتباط با منسهای اجتماعی هستند. آداب، جمع واژهٔ ادب و رسوم جمع واژهٔ رسم است. این ارتباط در مشاهدات براون و لوینسون (Brown & Levinson, 1987: 70) این چنین ارائه شده است: «ادب منفی با فروتنی^۲، کاربرد زبان رسمی و خویشتن‌داری مشخص میشود...کنشهای

۱. این حدیث در کتب شیعه از حضرت علی (ع) نقل شده و بنظر میرسد، گوینده یا نویسنده یا مترجم در نقل آن دچار اشتباه شده‌اند. متن عربی این حدیث این‌گونه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «السَّلَامُ سَعُونَ حَسَنَةً تِسْعَةٌ وَ سِتُونَ لِلْمُبْتَدِئَةِ وَ وَاحِدَةً لِلرَّادِ» (بحارالانوار/ ط- بیروت، ج ۷۳، ص ۱۱، ح ۴۶) (توضیح ویراستار)

2. Self-effacement

تهدیدگر و وجهه با احترام کلامی و غیرکلامی از میان برداشته میشوند». با این حال همانطور که در ادامه بحث روش‌تر میشود، کاربرد زبان رسمی و احترام در جامعه ایران با حفظ آنچه که براون و لوینسون آن را وجهه مثبت نامیده‌اند، در تضاد نیست.

چارچوبی برای تجزیه و تحلیل (۱)

اصول ادب و راهبردهای تعارف

با بررسی آنچه بیان شد، در ادب ایرانی سه مؤلفه تواضع، احترام و صمیمیت حائز اهمیت است (Jahangiri, 1980: 207). این سه مؤلفه اساس چارچوب تحلیل حاضر را تشکیل میدهند.

در این نوشتار، به تبعیت از فرازر^۱ (۱۹۹۰ و ۱۹۷۵) و فرازر و نولن^۲ (۱۹۸۱)، قرارداد محاوره‌یی ایرانی مفروض است. قرارداد محاوره‌یی فرازر و نولن (۱۹۸۱) بر این شناخت استوار است که با گشودن باب یک گفتگوی خاص، هریک از طرفین به فهم و درکی از مجموعه‌یی از حقوق و تعهدات اولیه‌یی میرسند که حداقل در مراحل ابتدایی مکالمه، تعیین‌کننده انتظارات آنها از طرف مقابل است.

فرض بر این است که قرارداد محاوره‌یی فارسی دربرگیرنده حقوق و تعهدات تغییرناپذیری برای شرکت‌کنندگان در گفتگو است: هر شرکت‌کننده در تعامل حق دارد، و وجهه‌اش شناخته شده و ارتقا یابد و همچنین متعهد به شناخت و ارتقای وجهه طرف گفتگو (و حتی حاضران در گفتگو) است. بنابراین، قرارداد محاوره‌یی ایرانی متشکل از اصل «آداب است» که خود، شامل سه اصل احترام، تواضع و صمیمیت است. از آنجایی که ادب ایرانی ارتباط زیادی با رفتار تجویزی^۳ دارد، ارائه چارچوبی در قالب این اصول، مناسب بنظر میرسد.

چارچوبی برای تجزیه و تحلیل (۲)

ادب و ملاحظات وجهه

فرض براون و لوینسون (۱۹۸۷) بر این اعتقاد است که انحراف از اصول همکاری گرایس ناشی

1. Fraser

2. Fraser and Nolen

3. Prescribed Behaviour

از ملاحظات ادب است؛ اگرچه نقش برخی عوامل انگیزشی از قبیل شوخ طبعی^۱، کنایه^۲ و طعنه^۳ را نیز تأیید میکنند. همانگونه که تاکنون نیز اشاره شده است، نظریه آنها بر اساس مفهوم وجهه گافمن است. در این نظریه برای مفهوم وجهه این دو جنبه مفروض است:

وجهه منفی (صلبی): «نیاز فرد بالغ واجد صلاحیت^۴ به اینکه رفتارهای او از سوی دیگران با ممانعت مواجه نشود (Brown & Levinson, 1987:62) ... «نیاز به اینکه آزادی عمل داشته باشد و از مسائل مورد توجهش منع نشود» (Ibid:129).

وجهه مثبت (ایجابی): «نیاز فرد به اینکه خواسته‌های او حداقل برای برخی افراد دیگر مطلوب باشد» (Ibid:62) ... «نیاز مداوم به اینکه خواسته‌های او (یا رفتارها/ دستاوردها/ ارزشهای ناشی از آنها مطلوب تلقی شود» (Ibid:101).

در جریان یک تعامل، وجهه ممکن است مورد تهدید واقع شود؛ از بین برود یا تقویت شود. بر اساس توصیفات گافمن^۵ (Goffman 1967:37) از وجهه، هر فرد معقولی علاقمند به حفظ و تقویت وجهه طرف گفتگوی خود است، به این منظور که وجهه خودش نیز به همین ترتیب حفظ و تقویت شود.

اصل فراگیر آداب و فروع آن^۶

هم از نظر کلامی و هم غیرکلامی، مطابق با هنجارهای جامعه و استانداردهای مورد قبول از قبیل تعارف کردن، احترام گذاشتن، تواضع و صمیمیت که همه از نشانه‌های تربیت درستند، رفتار کنید. سه اصلی که در ادامه بدانها اشاره میشود، در اصل «فراگیر روش» گنجانده میشوند:

۱. احترام / تأیید^۷: به دیگران احترام بگذارید و دیگران را بر خود ارجح بدانید.

در ایران، احترام گذاشتن در بین افرادی که دارای جایگاه‌های یکسان هستند، اغلب دوطرفه بوده و بنابراین بیانگر همبستگی / مشارکت / صمیمیت است. در این تعامل، گوینده بعنوان فردی که از شیوه‌های رفتار اجتماعی آگاه است، معرفی میشود. این اصل شامل راهبردهای رایج ایرانی در

1. Humor

2. Irony

3. Sarcasm

4. Competent Adult Member

5. Goffman 1967:37

6. Koutlaki 1997 & 2009: 37

7. Deference

ستودن طرف گفتگو از لحاظ تواناییها، دانش، موفقیتها یا داراییهاست که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

اسکولون^۱ و اسکولون (۱۹۹۵) عقیده دارد که نظام ادب احترام‌آمیز، نظامی است که در آن دو طرف تقریباً مساوی انگاشته میشوند؛ اما با فاصله با هم رفتار میکنند؛ این مسئله در بین همکارانی که همدیگر را بخوبی نمیشناسند، بیشتر دیده میشود. در برابر انگاشتن احترام با مفهوم فاصله / استقلال، اسکولون از دیدگاه براون و لوینسون پیروی میکند که معتقد است، احترام یک راهبرد ادب منفی است. همانطور که در تحلیل زیر نشان داده میشود، راهبردهای احترام در فارسی، وجهه^۲ (مثبت) هر دو طرف را ارتقا میبخشد که این با دیدگاه اسکولون و اسکولون همخوانی ندارد.

۲. تواضع: به دیگران احترام بگذارید دیگران را در جایگاهی بالاتر از خود قرار دهید.

تواضع^۲ به نیازهای وجهه^۲ مثبت طرف گفتگو معطوف است؛ زیرا فرد از این راه، حتی بشکل صوری، طرف مقابل را برتر و خود را پایینتر نشان میدهد. تواضع معمولاً با پایین آوردن وجهه^۲ خود مرتبط است؛ در حالی که در جامعه ایرانی جایگاه خود را پایین پنداشتن منجر به برآوردن نیازهای وجهه^۲ مثبت خود از راه نشان دادن آداب اجتماعی میشود.

تواضع و احترام میتوانند، بعنوان اصول منعکس‌کننده^۳ هم تلقی شوند؛ زیرا در عمل اغلب با هم اتفاق می‌افتند؛ بعبارت دیگر، در طول یک گفتگو معمولاً گوینده و شنونده در جهت تواضع نسبت به خود و احترام نسبت به دیگری حرکت میکنند؛ در واقع احترام گذاشتن به طرف گفتگو و خود را پایینتر از او انگاشتن دارای اهداف صحبت‌گشایی است که تنها به توالیهای آغاز و پایان گفتگو محدود نمیشود (Laver, 1975).

۳. صمیمیت^۳: به امورات دیگران علاقه نشان دهید؛ به نیازها، آرامش و آسایش آنها توجه کنید؛ توافق، همدردی و دوستی خود را به آنها ابراز کنید.

این اصل رفتار عاطفی مطلوب را توصیف میکند که در آن راهبردهای زیادی در تأیید و تقویت روابط عمل میکنند. اگر گوینده^۲ بخوهد به طرف گفتگویش احترام بگذارد از «محبت کردن»، «مرحمت کردن» و «لطف کردن»، بجای «دادن» و از «فرمودن» بجای «گفتن» استفاده میکند. همچنین بجای «بودن» از «تشریف داشتن» و بجای «آمدن» از «تشریف آوردن» و بجای «رفتن» از

1. Scollon

2. Humility

3. Cordiality

تشریف‌بردن استفاده میشود.

درخصوص تعریف و تمجیدها، در پاسخ به جمالتی، مثل «چقدر قشنگه!» فرد اینگونه پاسخ میدهد: «چشم شما قشنگه» یا «چشم شما قشنگ می‌بینه»، یا حتی «قابلی نداره» که در پاسخ آن گفته میشود: «صاحبش قابل داره». بنابراین واضح است که اگرچه بیان تشکر و سپاس در پاسخ به یک تعریف و تمجید امکان‌پذیر است، رایج‌ترین شیوه پاسخ به تعریف و تمجید، ستودن فرد آغازکننده گفتگو و بکاربردن اصل ستودن دیگری از روی تواضع است. «خیلی لطف کردین» یا «لطف کردین» یا «لطفتون زیاد» در عبارات ضبط شده از گویشوران، به هنگام تشکر زیاد به گوش می‌خورد. فرهنگ ایرانی، مثل فرهنگهای دیگری که از کلیشه‌های از پیش تعیین شده استفاده میکنند، «به اعضای جامعه این آرامش را میدهد که میدانند مخاطبشان کلام آنها را همانگونه که قصد دارند، درک خواهند کرد و این مسئله هدف نهایی در تعامل است» (Tannen & Oeztek, 1981:46).

سه اصل احترام، تواضع و صمیمیت در برخی از آداب ایرانی

تعریف و تمجید

یکی از نقشهای اصلی تعریف و تمجید، ایجاد یا تثبیت همبستگی بین طرفین گفتگوست (Herbert, 1986 a ; Wolfson, 1983 ; *Ibid*, 1980 ; Wolfson & Manes, 1981). در جامعه ایرانی از تعریف و تمجید عمدتاً برای ارتقای طرف گفتگو و گاهی نیز برای نشان دادن تواضع استفاده میشود. همانطور که در یکی از گفتگوهای ضبط شده در میهمانی ناهار، خانم «م» که میزبان است، میز را آماده و میهمانان را به سر میز دعوت میکند. او به خانم «د» که یکی از میهمانان است، میگوید:

«بفرمایید؛ البته به پای غذای شما نمیرسه».

این تعارف که نوعی تعریف و تمجید است، مورد دیگری از خود پایین ترانگاشتن است و دیگری را ارج نهادن؛ زیرا هر دو طرف میدانند که هر دو نفر دست‌پخت خوبی دارند.

پورمرانتز^۱ (۱۹۸۷) دریافت‌کننده تعریف و تمجید خود را بر سر یک دو راهی می‌بیند: اگر تعریف و تمجید را بپذیرد، ممکن است، حمل بر خودستایی او شود و اگر آن را رد کند، ممکن

است بی ادب تلقی شود. رفیعی (۱۹۹۲: ۸۵-۸۶) عبارت «اختیار دارید ما رو شرمنده میکنید» را بعنوان پاسخ احتمالی به یک تعریف و تمجید نقل میکند. وی اضافه میکند که بعضی از ایرانیها در صورتی که طرف گفتگوشان با بیان تشکر به تعریف و تمجید پاسخ دهد، او را مغرور می‌انگارند. هربرت دیدگاهی مشابه را بیان میکند. او مینویسد: «تعریف و تمجید نشانه‌یی از همبستگی است که اگر پذیرفته شود، ممکن است، این همبستگی را بخطر بیندازد» (Herbert, 1989:25). در زبان فارسی، حتی اگر گوینده فروتنی به خرج داده و جایگاه شنونده را بالا برد، انتظار ندارد که شنونده با این نیروی تعریف و تمجید موافق باشد. انتظار می‌رود که پاسخ شنونده انعکاسی از رفتار گوینده باشد. شنونده فروتنی کرده و گوینده را ارج مینهد؛ عبارت دیگر، تعریف و تمجیدهای ایرانی، بیشتر از اینکه نشانه همبستگی باشند، دارای کارکرد دیگر برتری هستند.

در جامعه ایرانی، تعاریف و تمجیدهایی که اغلب خیلی طولانی و خسته‌کننده هستند، بعنوان کارکردی از اصل «احترام / تأیید» بیان میشوند. از طرف دیگر، فرد تمجیدشونده نیز بدلیل کاربرد فراوان «اصل تواضع» نمیتواند مستقیماً تعریف را بپذیرد. ممکن است به چنین تعریف و تمجیدهایی با تشکر و سپاسگزاری پاسخ داده شود. گویشوران بومی مرا توجیه کردند که بیان تشکر در چنین مواقعی بمعنای پذیرفتن تعریف نیست؛ بلکه نشانه قدردانی از توجه گوینده به شخصیت وی است. بنظر میرسد که فرد از طریق تشکر کردن اهداف عاطفی تعریف و تمجید را تأیید و از حسن نیت گوینده قدردانی میکند؛ اما به هیچ وجه تعریف از خود را نمی‌پذیرد. این امر با مشاهدات قبلی ما در مورد متواضع بودن و عدم تمایل به پذیرش هدایا، پیشنهادات، دعوت به غذا و غیره منطبق است. تمام این موارد بخشی از ساختار تعارف در فرهنگ ایرانی و اهمیت توجه به وجهه خود و دیگری در تعامل است.

عذرخواهی

در طرحی که ارائه داده‌ام، عذرخواهی زیرمجموعه اصل تواضع است؛ زیرا گاهی بشکل صوری، حاکی از نقض یا نارسایی قوانین اجتماعی است که گوینده خود را در مقابل آنها مسئول میداند و از اینرو خود را در مقابل مخاطب فروتر می‌نماید.

بیشتر تحقیقات مربوط به عذرخواهی بر این فرض استوارند که در تمام فرهنگها کنش گفتاری عذرخواهی به کنش اجتماعی مشابهی اشاره دارد و در بین فرهنگهای مختلف تفاوتی در مورد آن مشاهده نشده است (Wolfson & Marmor & Jones, 1989:179). با این حال، اگر عذرخواهی

در زبانهای مختلف مورد مطالعه قرار گیرد، این احتمال وجود دارد که مفاهیم تخلف و تعهد در فرهنگهای مختلف با هم فرق داشته باشند.^۱

توصیف کولماس^۲ (1981b: 79-84) از تشکر و عذرخواهی در جامعه ژاپن بسیار شبیه جامعه ایران است. وی میگوید:

«رایج‌ترین صورت عذرخواهی، «بخشید» یا «بخشین» است که صورت امری مصدر بخشیدن است. این صورت مصدری در آنچه من «عذرخواهی تعارفی» مینامم، بکاربرده میشود. این عبارات اغلب در پایان یک ملاقات بیان میشوند».

کولماس (همان: ۸۲) مینویسد که ژاپنی‌ها نیز اصطلاح «سرزده پیش شما آدم» را دارند که بیانی دیگر از سپاسگزاری است، این در حالی است که پاسخ «نه، نه، این را نگوید»، به عنوان پاسخی به سپاسگزاری و عذرخواهی بکاربرده میشود.

وولفسون، مارمور و جونز (۱۹۸۹: ۱۸۰) چنین اظهار میکنند: «موقعیتهایی که در یک زبان به عذرخواهی می‌انجامند، ممکن است در زبان دیگر بدین‌گونه نباشند» و بررسیهای صورت‌گرفته روی عذرخواهی در زبانهای مختلف حاکی از این است که مفاهیم رنجش و تعهد به عذرخواهی خاص هر فرهنگی است.

همانطور که پیش از این در اصل احترام بیان شد، وقتی کسی هدیه‌یی به دیگری میدهد و از او تشکر میشود، معمولاً برای عذرخواهی از عبارت «بخشید، قابل شما را نداره» استفاده میشود. این مورد، شبیه فرهنگ ژاپنی است که در آن عذرخواهی ممکن است بدنبال کنش گفتارهایی از قبیل احوالپرسی، پیشنهاد یا تشکر حاکی از عذرخواهی بیاید (Coulmas, 1981b: 82).

در یک موقعیت که نگارنده شاهد آن بوده است، یک راننده تاکسی بخاطر گرفتن کرایه از مسافر (البته بعد از بارها آن را رد کردن)، بارها عذرخواهی کرد؛ زیرا او قبلاً به کارگاه آهنگری مسافر مراجعه کرده و بنابراین خود را آشنای دور او محسوب میکرد.

۱. شایان ذکر است که این قسمت بیشتر با عذرخواهیهای ظاهری سرو کار دارد؛ یعنی عذرخواهیهایی که معمولاً بعنوان تشکر بکار می‌رود. عذرخواهیهای واقعی که بعنوان اصلاح سوء رفتار یا سوء تفاهم ارائه میشود، بخاطر در خطر قرار گرفتن وجهه که در ارائه دهنده ایجاد میکند، معمولاً به کنش (ostensible apologies)های کلامی یا غیرکلامی دیگر جایگزین میشود (کوتلاکی و محمدی، در دست چاپ)

2. Coulmas

پیشنهاد (تعارفی)

در گفتگوهای طبیعی ضبط‌شده، پیشنهادهای مکرر برای صرف غذا، بوفور وجود دارد؛ زیرا بسیاری از گفتگوها هنگام صرف غذا و در طول ملاقاتها ضبط شده‌اند. گویشوران میدانند که امتناع از غذا و نوشیدنی بیشتر ممکن است، تعارف باشد. بنابراین احساس میکنند که باید بیشتر اصرار کنند و به طرف مقابلشان بگویند، تعارف نکند (این جمله روشی برای بیان تعارف است). رسوم تعارف در بین ایرانیان بسیار قوی است. در طی مصاحبه‌های قوم‌نگاری، یکی از گویشوران به مواردی اشاره کرد که بعضی میزبانها غذا را با چنان اصراری تعارف میکنند که گاهی واقعاً ملال‌آور میشود؛ در حالی که گویشوری دیگر میگفت: «برخی میهمانان ممکن است، سیرنشده میز غذا را ترک کنند؛ زیرا به اندازه کافی به آنها تعارف نشده است. بنابراین نتوانستند به اندازه‌یی که میخواستند، غذا بخورند». تعارف غذا و نوشیدنی در تعاملات روزمره الزامی است و جالب اینجاست که این عادات، بسیار سریع در کودکان نهادینه میشوند.

نویه (۱۹۹۲: ۳۲۱) در بررسی که در مورد وجهه در ایگبوی نیجریه انجام داده است، چنین مینویسد: به بچه‌ها آموزش داده میشود که حتی بشکل صوری، غذایشان را با دیگران تقسیم کنند. این کار صرفاً برای آموزش صورتهای رفتاری بزرگسالان در شریک‌شدن غذا با افراد حاضر صورت میگیرد. کوتاهی شخص در انجام این کار بمعنای نقض آداب و رسوم است و منجر به انعکاس منفی در مورد شخص او میشود.

یکی از گویشوران یادآور شد که اگر فرد خوردنی کوچکی، مانند یک میوه یا شیرینی را در حضور دیگران بخورد از لحاظ اجتماعی انتظار میرود که به آنها تعارف کند؛ حتی اگر بداند که تعارف او را رد میکنند. چنین جزئیاتی نشان میدهد که مفهوم صمیمیت لزوماً تنها بین آشنایان بکار برده نمیشود؛ بلکه در بین غریبه‌ها هم کاربرد دارد. در حقیقت بنظر میرسد، این مفهوم چنان در ذهن ایرانیان ریشه کرده است که خوردن در خیابان ناپسند تلقی میشود. بعضی از افراد هم گفته‌اند که از خوردن در اماکن عمومی، مانند ادارات (البته به جز رستورانها) خوششان نمی‌آید؛ زیرا از اینکه غذا یا نوشیدنی خود را به همه تعارف کنند، معذب هستند.

دعوت (تعارفی)

در حوزه دعوت، گستره دعوت‌های تعارفی (صوری) را بررسی خواهیم کرد. این دعوتها دارای کارکرد عاطفی بسیار بالایی بوده و بیانگر صمیمیت و دوستی هستند.

طبق تجربیات نگارنده، کاربرد چنین اظهارات تشکر و توجه (بر اساس نظر بیمن) یا صمیمیت و دوستی (در اصطلاحات نگارنده) خیلی رایج است و تنها آشنایان یا دوستان خیلی صمیمی بصورت واقعی میتوانند آنها را بپذیرند.

دعوت‌های تعارفی اغلب وقتی که میهمانان نزدیک وقت غذا (ناهار و شام) به خانه کسی می‌آیند، بیان میشوند. گویشوران تأیید کردند که چنین دعوت‌هایی نشان‌دهنده میهمان‌نوازی و خوش رفتاری میزبان هستند. فرد میهمان انتظار دارد، به نشانه احترام به غذا دعوت شود؛ حتی اگر بداند که وی دعوت را رد خواهد کرد. بیان نکردن چنین دعوت‌هایی به منزله بی‌احترامی به میهمان از طرف میزبان تلقی میشود. همچنین این عدم دعوت، باز خورد منفی بر شخصیت میزبان دارد. گفته میشود که چنین دعوت‌هایی، مانند سلام کردن یک رسم و وظیفه اجتماعی است.

اگر میزبان واقعاً نخواهد که میهمان برای غذا بماند، در طول ملاقات اسمی از غذا خوردن نمی‌آورد. در عین حال رسم است که حداقل یک بار دعوت تعارفی بکند یا وقتی که میهمان آماده رفتن میشود یا شاید وقتی که او کفشهایش / کتتش را میپوشد که این کار نشانه رفتن جدی اوست، بیشتر از یک بار به او تعارف میکند. در این مرحله میزبان ممکن است، بگوید: «میموندین حالا». این زمان‌بندی بیان جملات حاکی از این است که این دعوت، دعوتی جدی نیست؛ با وجود این نشان‌دهنده میهمان‌نوازی، خوش برخوردی و احترام میزبان نسبت به میهمان است.

در نوشته‌های میدانی نگارنده، سه دعوت به ناهار ثبت شده‌اند که دو مورد از آنها رد شده و یکی پذیرفته شده است. در طول روزهای اول سال جدید در ایران، تمام اعضای خانواده گسترده به دیدار یکدیگر میروند. در این دیدارها مرسوم است که اعضای کوچکتر به دیدن افراد بزرگتر میروند. از آنجایی که معمولاً تمام دیدوبازدیدها باید در ده روز اول سال جدید تمام شوند، افراد در هر زمان از روز به دیدن یکدیگر میروند تا در زمان صرفه‌جویی شود.

تعارفات مربوط به دعوت‌های آینده که بیشتر دعوت به یک وعده غذایی است، نیز در ماهیت خود، نوعی شروع صحبت است که بیشتر تعارف بحساب می‌آید، نه دعوت واقعی. این دعوت‌های تعارفی مشابه دعوت‌های صوری است که وولفسان و دیگران (۱۹۸۳: ۱۱۷) توصیف کرده‌اند که در آن طرفین گفتگو همدیگر را به خانه‌هایشان دعوت میکنند، بدون اینکه واقعاً زمانی را مشخص کنند. این نوع دعوتها ارجاع خاصی به زمان ندارند و در آنها اسمی از مکان یا فعالیت خاصی نمی‌رود و تقاضایی برای پاسخ نیز وجود ندارد. این دعوتها همانند دعوت‌های تعارفی آینده، بیشتر اوقات تا مدت‌ها پذیرفته نشده یا حتی هرگز عملی نمیشوند.

یک دعوت واقعی از قبل اطلاع داده و روز و نوع فعالیت آن مشخص می‌شود. این دعوت با گفتن عباراتی، مانند «زحمت نمیدیم» دست‌کم دو بار رد می‌شود که در جواب آن میزبان اغلب بیش از یک بار خواهد گفت: «اصلاً زحمتی نیست» یا «یه چیز ساده‌یی درست میکنم» و با این جمله گفتگو را تمام میکند: «پس منتظرتون هستیم»^۱.

دیگر الگوهای رفتاری در مورد میزبان یا میهمان نیز در یک دعوت جالب توجه است. نمونه‌ها نشان می‌دهد که در تعاملات ایرانی تعارف حکم فرماست. در این تعاملات باید صمیمیت و حسن‌نیت را نشان داد. هنگامی که بدلیل محدودیتهایی این پیشنهادها و دعوتهای عملی نمی‌شوند، نشان‌دادن حسن‌نیت در تعامل، اهمیت بسیار زیادی در احترام به وجهه خود و دیگران پیدا میکند.

آغاز گفتگو و احوالپرسی

گفتگوها معمولاً با «سلام» شروع میشوند و پس از آن بلافاصله احوالپرسی میکنند. شایان ذکر است که احوالپرسی برای شروع صحبت است (Laver, 1975; Malinowski, 1923) و معمولاً پاسخهای واقعی داده نمی‌شود. این احوالپرسیها برای این است که تعامل با نشان‌دادن توجه به همدیگر شروع خوبی داشته باشد. با توجه به این مسئله، در ایران کسی که دیر به یک جلسه رسمی میرسد، جلسه را قطع میکند تا سلام و احوالپرسی کند؛ درحالی که تجربه من نشان داده است که در فرهنگ انگلیسی / انگلوساکسون، کسی که دیر میرسد، غالباً چیزی نمی‌گوید یا برای اینکه جلسه را قطع نکند، زیر لب می‌گوید: «متأسفم که دیر رسیدم». درحقیقت رفیعی (۱۹۹۲: ۱۱۲-۱۱۳) مینویسد در ایران تبادل کلامی سلام و احوالپرسی بر همه جلسات رسمی یا غیررسمی تقدم دارد.

از این نظر شباهتهای چشمگیری بین رسوم فارسی و یونانی جدید وجود دارد. برخلاف انگلیسیها که ترجیح میدهند، بسیار آرام به یک گروه بپیوندند و در این شرایط سلام و احوالپرسی را باعث مزاحمت و قطع جلسه میدانند، یونانیها در چنین موقعیتی انتظار دارند با هم سلام و احوالپرسی کنند. اگر در چنین موقعیتی احوالپرسی نکنند، یونانیان آن را بی‌اعتنایی تلقی میکنند و از نگاه آنها یک توهین واقعی محسوب میشود. این تا حدی با این مفهوم در ارتباط است که در بیشتر روابط اجتماعی یونانیها، صمیمیت زیادی حاکم است. بی‌اعتنا بودن، خنثی بودن نیست؛ بلکه اساساً

۱. برای گزارش مشابهی در مورد اینکه در زبان چینی شرکت‌کنندگان در چین چگونه وجهه خود و دیگران را حفظ و تقویت میکنند، قس: Mao, 1994: 475-479 & Gu, 1990: 252-253

دشمنی تلقی میشود (Triandis and Vassiliou, 1972: 316-315؛ بنقل از (Sifianou, 1992: 92-91). بر اساس نظریهٔ براون و لوینسون، در ایران کسی که دیر به یک جلسه میرسد با نشان دادن صمیمیت و اشاره نکردن به دیر رسیدنش، وجههٔ مثبت خود را ارتقا میدهد. در حالی که همین شخص در فرهنگ انگلیسی/انگلساکسون اگر به ظاهر، دیر رسیدنش را نادیده بگیرد، وجههٔ منفی خود را بالا برده است.

این احوالپرسیها نشان‌دهندهٔ تمایل افراد به ادامهٔ گفتگو یا برای پرکردن خلأ موجود در گفتگوها هستند. با این وجود میتوانند البته نه الزاماً پرسشهای واقعی تلقی شوند و انگیزه‌ی برای شروع یک موضوع جدید باشند.

بیمن^۱ (1986: 177-176) میگوید که احوالپرسی مرحلهٔ جدیدی در شروع گفتگوهاست. اگر گفتگو متوقف شود و یکی از طرفین بخواهد، گفتگو را ادامه دهد، دور جدیدی از احوالپرسی را شروع میکند تا زمینه‌ی برای شروع یک موضوع جدید در گفتگو باشد. تاکنون داده‌های این پژوهش مؤید این دیدگاه بوده است.

پایان گفتگو

پایان دادن به تعامل، جنبه‌ی از رفتار مکالمه‌ی است که در آن باب صحبت‌گشایی^۲ به دو دلیل مورد توجه قرار میگیرد. نخست آنکه باب صحبت‌گشایی کاهش‌دهندهٔ احساس مخالفت بالقوه‌ی است که یکی از طرفین تعامل ممکن است، هنگامی که طرف دیگر تعامل میخواهد به مکالمه خاتمه دهد، داشته باشد (Laver, 1975: 231-230).

دوم آنکه باب صحبت‌گشایی بر رابطهٔ بین قصد رفتن و اصرار میزبان برای اینکه میهمان(ان) بیشتر بمانند، دوباره تأکید میکند. در این صورت میهمان باید دست‌کم بیست دقیقهٔ دیگر بماند. حتی پس از آن نیز رفتن و خداحافظی کردن فرایندی پیچیده است و وقت قابل توجهی از دو طرف میگیرد. اگر میهمان و میزبان بیش از یک نفر باشند، همانند سلام کردن هرکس باید بطور جداگانه از دیگری خداحافظی کند. گاهی خداحافظی بسیار طولانی و ممکن است در پایان گفتگو بسته به تعداد افراد ده تا بیست دقیقه و یا بیشتر طول بکشد.

بیان آرزوی جبران لطف میزبان در آینده و آگاهی از تلاش او برای راضی ساختن میهمانان،

1. Beeman

2. Phatic Communion

موضوع معمول در مراسم خداحافظی است و با مؤلفهٔ صحبت‌گشایی؛ یعنی اتفاق‌نظرهای مداوم، برای دیدارهای آینده ارتباط دارد. این عبارتها که نشان‌دهندهٔ صمیمیت هستند، مانند بسیاری از دیگر عبارتها، وجههٔ افراد را بالا می‌برند. آنها دعوت‌کننده را فردی آگاه از راه و رسم جامعه و در نتیجه وی را شایستهٔ احترام نشان داده و به پذیرندهٔ دعوت نیز احترام می‌گذارند.

نتیجه‌گیری

مانند هر پدیدهٔ اجتماعی، الگوها و قوانین حاکم بر رفتارهای ایرانیان از نظام و سازمان نهادینه‌شده‌یی پیروی میکند. بر اساس جمع‌آوری داده‌های میدانی، نگارنده نظام ادب فارسی را برگرفته از سه اصل احترام / تأیید، تواضع و صمیمیت میداند. گویشوری که بر اساس این اصول رفتار میکند، به وجههٔ مخاطب خود توجه میکند؛ به او احترام می‌گذارد و در عین حال به وجهه و جایگاه خود نیز توجه دارد. بدین ترتیب وی خود را فردی اجتماعی و آگاه به رسومات جامعه نشان میدهد. هر سه اصل مطرح شده به گونه‌یی نامحسوس از کودکی در ذهن ایرانیان نهادینه شده و در نهایت به هبستگی ملی میان جامعهٔ ایرانی در طی قرون مختلف کمک کرده است. بنظر میرسد بررسی هر کدام از این الگوهای رفتاری در مطالعات جامعه‌شناسی، زبان‌شناسی و شناخت فرهنگ ایرانی از لازمه‌های اصلی هرگونه مطالعه دربارهٔ ایران است.

منابع فارسی

- سلیمیان، سمیه؛ عبدالکریمی، سپیده؛ «بازنگری تعریف مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی: بررسی کارایی نظریه‌های ادب کلامی در فرهنگ ایرانی»، نخستین همایش ملی ادب کلامی و اجتماع، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۶.
- کوتلاکی، سوفیا؛ محمدی، هانیه؛ «عذرخواهی و تهدید وجهه، پژوهشی در فرهنگ ایرانی» مجله زبان‌شناسی اجتماعی، در دست چاپ.

منابع لاتین

- Koutlaki, S A (1997), *The Persian system of politeness and the Persian folk concept of face, with some reference to EFL teaching to Iranian native speakers.*(Unpublished PhD thesis), University of Wales, College of Cardiff.

- Koutlaki, S A (2009), Two sides of the same coin: how the notion of 'face' is encoded in Persian communication. In Bargiela-Chiappini F. & Haugh, M. (eds.), *Face, Communication and Social Interaction*, (pps.115-133). London: Equinox.
- ARYANPOUR A & MARYANPOUR 1976 *The Concise Persian-English Dictionary* - One Volume Amir Kabir Publications Organisation.
- BATESON M C, J W CLINTON, J B M KASSARJIAN, H SAFAVI, M SORAYA 1977. *Safa_yi Batin: A study of the interrelations of a set of Iranian ideal character type* Brown L C & J Itzkowitz 257-273.
- BEEMAN W O 1986 *Language, Status and Power in Iran* Indiana University Press
- BROWN P & S LEVINSON 1978 *Universals in Language usage: Politeness phenomena* E N Goody (ed) pp 56-310. Re-issued 1987 with corrections, new introduction and new bibliography *Demythologizing sociolinguistics Ideologies of Language*, John J Joseph & Taylor Talbot J (eds), London, Routledge Cultural Communication and Intercultural Contact Lawrence Erlbaum Associates, Hillsdale, New Jersey, Hove and London.
- CHEN R 1993 Responding to compliments: A contrastive study of politeness strategies between American English and Chinese speakers *Journal of Pragmatics* 20, 49-75.
- COULMAS F 1981b "Poison to your soul": thanks and apologies contrastively viewed Coulmas 1981a (ed), 69-91.
- FRASER B 1975 *The concept of politeness* Paper presented at the 1985 NWAWE Meeting. Georgetown University.
- FRASER B 1981 *On apologizing* F Coulmas (ed.) 1981
- FRASER B & WNOLEN 1981 *The association of deference with linguistic form* *International Journal of the Sociology of Language* 27: 93-109.
- FRASER B 1990 *Perspectives on Politeness* *Journal of Pragmatics* 14:219-236
- GOFFMAN E 1967 *Interaction ritual: Essays on face-to-face behavior*. New York: Doubleday.
- GU Y 1990 *Politeness phenomena in Modern Chinese* *Journal of Pragmatics* 14(2): 237-257.

- HERBERT R K 198 Say "Thank you" - or something American Speech 61/1, 76-88.
- HERBERT R K 1989 The Ethnography of English Compliments And Compliment Responses: A Contrastive Sketch Oleksy W (ed) 1989, Contrastive Pragmatics.
- HILL B, S IDE, S IKUTA, A KAWASAKI, T OGINO 1986 Universals of Linguistic Politeness: Quantitative evidence from Japanese and American English Journal of Pragmatics 10:347-371.
- IDE S, B HILL, Y M CARNES, T OGINO, A KAWASAKI 1992 The concept of politeness: An empirical study of American English and Japanese.
- Watts J et al. (eds) 1992.
- JAHANGIRI N 1980 A sociolinguistic study of Tehrani Persian Unpublished PhD thesis, University of London.
- LAVER J 1975 Communicative functions of phatic communion Kendon, Harris & Key (eds), 215-238.
- MALINOWSKI B 1923 The problem of meaning in primitive language Ogden & Richards (eds), 296-339.
- MANES J & N WOLFSON 1981 The compliment formula in Coulmas (ed) 1981, 115-132.
- MAO L M R 1994. Beyond politeness theory: 'Face' revisited and renewed Journal of Pragmatics 21: 451-486.
- MATSUMOTO Y, 1988 .Reexamination of the universality of face: Politeness phenomena in Japanese Journal of Pragmatics 12: 403-426.
- NWOYE O G 1992 Linguistic politeness and sociocultural variations of the notion of face Journal of Pragmatics 18: 309-328.
- PENMAN R 1990 Facework and Politeness: Multiple goals in courtroom discourse Tracy & Coupland (eds) 1990.
- RAFIEE A 1992 Variables Of Communicative Incompetence In The Performance Of Iranian Learners Of English And English Learners Of Persian Unpublished PhD thesis, University of London.

- RUBIN J 1983 How to tell when someone is saying "No" revisited Wolfson & Judd (eds) 1983, 10-17.
- SCOLLON R & S B K SCOLLON 1983 Face in interethnic communication Language and Communication, J C Richards & R W Schmidt (eds) London, Longman.
- SIFIANOU M 1992 Politeness phenomena in Greece and England Oxford, Oxford University Press.
- TANNEN D & OEZTEK P C 1981 Health To Our Mouths: Formulaic Expressions In Turkish And Greek Coulmas F (ed) 1981a:37-54.
- TANNEN D 1993 Framing in Discours Oxford University Press
- TRACY K & COUPLAND N (eds) 1990 Multiple goals in discourse Clevedon: Multilingual matters: 1-13
- TRACY K & COUPLAND N 1990a Multiple goals in discourse: An overview of issue Tracy K & Coupland N (eds) 1990
- TRIANDIS H C & VASSILIOU V 1972 A comparative analysis of subjective culture The analysis of subjective culture, Triandis (ed) 1972. Comparative Studies in Behavioral Science New York: Wiley
- WATTS R J 1989 Relevance and relational work: linguistic politeness as politic behavior Multilingua 8.2/3, 131-166.
- WOLFSON N & J MANES 1980 The compliment as a social strategy Papers in Linguistics 13(3):391-410 Reprinted in the International Journal of Human Communication 13(3).
- WOLFSON N 1981 Compliments in cross-cultural perspective TESOL Quarterly 5: 117-124.
- WOLFSON N, L D'AMICO-REISNER & L HUBER 1983 How to arrange for social commitments in American English: The invitati Wolfson & Judd (eds) 1983:116-128
- WOLFSON N, T MARMOR, S JONES 1989 Problems in the comparison of speech acts across cultures Blum-Kulka, House, Kasper (eds) 1989:174-196